

فاطمه شعر آفرینش بود

این روزها در ایام فاطمیه، همه جای شهر رنگ عزا و ماتم به خود می‌گیرد...



این روزها در ایام فاطمیه، همه جای شهر رنگ عزا و ماتم به خود می‌گیرد. این‌ها همه از ارادت مردمی شیفته به آستان مقدس بانوی دو عالم و بزرگان و ائمه معصومین(ع) حکایت دارد و اما در این میان به نظر می‌رسد برای پاسخ به سؤالات نسل جدید و اشباع آنها از مفاهیم دینی، نیاز به کار فرهنگی بیشتری وجود دارد تا بتوانیم واقعیت‌های زندگی بزرگان دین را به صورت مصداقی به این نسل ارائه کنیم. ایام فاطمیه بهانه‌ای بود برای پرداختن به این موضوع و نیز توجه به ضرورت انجام کار فرهنگی بیشتر درباره الگوهای دینی و اسلامی.

فریاد عصر جاهلی

صدای دخترکان از میانه سیاه‌ترین نقطه خاک به گوش عصر جاهلی نمی‌رسید. ضجه‌های دخترخردسال بود که فریاد زنان در گوش جاهلیت بیداد می‌کرد. زنده در گوری تاریک به مرگی دچار می‌شد ناخواسته و ناباورانه. حکایت مرگ هر لحظه در اعماق سیاه‌چاله‌ها بر گوش دخترک خردسال شهر جاهلی نهیب می‌زد و او را به سوی مرگی ناخواسته و ناباورانه هل می‌داد. او باید می‌مرد بی‌آنکه بخواهد و بی‌آنکه بداند. باید می‌مرد و زنده به گور می‌شد؛ چرا که آمدنش بدیمن بود و عرب جاهلی مایه ننگش بود که آفرینش چنین تحفه‌ای را نصیب او کند. در چنین حالی، روزگاری زخم‌هایی که در دل داشت همچنان می‌آفرید و می‌چرخید. روزگار گله داشت از مردمانی که دخترکان معصوم را در گورها نشانه می‌گرفتند و دست و پا بسته به میهمانی ناخواسته مرگ و نیستی می‌بردندشان. روزگار همچنان حرف می‌زد و سخن می‌گفت و هیچ گاه از سخن باز نایستاد. اما روزگار زخم هم داشت. زخمی عمیق از مردمان نامهربان... زخم روزگار حس شاعری را در او برانگیخت و ناگهان شعرهای آفرینش سروده شدند. غزل‌های ناگهان از گوشه احساس آفرینش تراویدند و روزگار لبخند برلبانش نشست. دنیا لب به شعر گشود و فاطمه به دنیا آمد. روزگار بر مدار بی‌فرهنگی دوران می‌گشت و لحظه به لحظه بر تیرگی‌ها افزوده می‌شد. دنیا در این روزگار تحول می‌خواست و اراده‌ای که همه چیز را تغییر دهد و ناگهان فاطمه به عنوان تحول بنیادین در نگاه جامعه به «زن؛ پا به عرصه گیتی گذاشت.

غزل زیبای آفرینش

دختر محمد (ص) در زخمی‌ترین صفحه تاریخ پا به عرصه وجود گذاشت و او بود که با تعالیم پدر، پایانی شد بر بدیمنی دخترکان همواره معصوم تاریخ. رنگ تاریخ عوض شد و جاهلیت از خواب گران چندین هزارساله، هراسان و آشفته برخاست. روزگار غزلی سروده بود که شاعران فخر فروش عرب جاهلی تا آن روز نتوانسته بودند، گوشه‌ای از مصرعش را بر زبان بیاورند. فاطمه به دنیا آمده بود و به راستی که پس از دوران بی‌مهری با دختران و زنده به گور کردن آنها، این دردانه هستی، غزل تازه آفرینش بود. غزلی که هرکس گوشه‌ای از آن را می‌خواند دیوانه وار، دگرگون می‌شد و نفرینی نصیب دوران جاهلیت می‌کرد و فاطمه به دنیا آمده بود و روزگار بر این آفرینش می‌بالید. روز جمعه بیستم جمادی الثانی بود.

نوباوه رسالت، پیکره عصمت، هم‌سنگ و همسر خلافت خدا در زمین، بانوی بانوان جهان، فاطمه زهرا (س) در لحظه‌های طلایی روز جمعه بیستم جمادی الثانی، پنج سال پس از بعثت پیامبر، در بُن آسمان حجاز، در دامنه کوه‌های سنگی مکه، در چشم‌انداز کعبه، در منزل وحی، در خانه‌ای که فرشتگان آن را خوب می‌شناختند

و در آن رفت و آمد داشتند، آن‌جا که زمزمه نماز پیامبر(ص) در صبح و شام و آوای ملکوتی تلاوت پیامبر(ص) در دل شب زمینش را به آسمان پیوند می‌زند، در خانه امید یتیمان، در خانه دستگیری از مستمندان، در خانه پیامبر(ص) و خدیجه، آفتاب وجودش از شرق دامن خدیجه طلوع کرد و ولادتش برای پیامبر(ص)، مانند وزیدن نسیم بهشت در گرمای صحرای سوزان حجاز، روح‌بخش و دلنواز بود.

بوی فاطمه(س) در خانه می‌پیچد. غزل غزل عاشقی است که سروده می‌شود و سبد سبد احساس بود که می‌تراود. ثانیه‌ها، آشنا می‌گذرند در عبور زمان؛ دقایق با شور از یکدیگر سبقت می‌گیرند... خبر، بسیار شیرین است. سرزمین، تجلی انوار خداوندی دیده می‌شود. خاک، آغشته است به بوی باران و نور. خانه‌ای در تلاطمی از عود و اسفند لبخند می‌زند و چشم‌ها به دری دوخته شده است که در پس آن قرار است خورشید، گام بر خاک گذارد.

ولادت

فاطمه (س) در سال پنجم پس از بعثت و در روز 20 جمادی الثانی در مکه به دنیا آمد. اکثر مفسران شیعی و عده‌ای از مفسران بزرگ اهل تسنن نظیر فخر رازی، آیه آغازین سوره کوثر را به فاطمه (س) تطبیق نموده‌اند و او را خیر کثیر و باعث بقا و گسترش نسل و ذریه پیامبر اکرم (ص) ذکر کرده‌اند. که آیه انتهایی این سوره نیز قرینه خوبی براین مدعاست که در آن خداوند به پیامبر (ص) خطاب می‌کند و می‌فرماید همانا دشمن تو ابتر و بدون نسل است.

نام پدر فاطمه (س) محمد بن عبدالله (ص) است که او رسول گرامی اسلام، خاتم پیامبران الهی و برترین مخلوق خداوند است. مادر حضرتش خدیجه (س)، از زنان بزرگ و شریف قریش بود. او نخستین بانویی است که به اسلام گرویده است و پس از پذیرش اسلام، تمامی ثروت و دارایی خود را در خدمت به اسلام و مسلمانان مصرف نمود. خدیجه در دوران جاهلیت و دوران پیش از ظهور اسلام نیز به نجابت مشهور بود؛ تا جایی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می‌شد و او را بزرگ زنان قریش می‌نامیدند. و فاطمه زاده چنین پدر و مادری بود.

نام و القاب ایشان

نام او فاطمه است. فاطمه وصفی است از مصدر فطم. این کلمه در لغت عرب به معنی بریدن، قطع کردن و جدا شدن آمده است. این صیغه که بر وزن فاعل معنی مفعولی می‌دهد، به معنی بریده و جدا شده است. فاطمه از چه چیز جدا شده است؟ در کتاب‌های شیعه و سنی روایتی می‌بینیم که پیغمبر (ص) فرمود او را فاطمه نامیدند، چون خود و شیعیان او از آتش دوزخ بریده‌اند. نویسندگان سیره و محدثان اسلامی برای دختر پیغمبر لقب‌هایی چند نوشته‌اند: زهرا، صدیقه، طاهره، راضیه، مرضیه، مبارکه، بتول و لقب‌های دیگر. از این جمله لقب زهرا از شهرت بیشتری برخوردار است، و گاه با نام او همراه می‌آید؛ #171؛ فاطمه زهرا» و یا بصورت ترکیب عربی؛ #171؛ فاطمه الزهرا».

پرورش زهرا (س) در کنار پدرش رسول خدا (ص) و در خانه نبوت بود. تربیت دینی را هم از آموزگاری چون محمد (ص) فراگرفت. در این خانه بود که تکبیر گفتن و روی به خدا ایستادن آغاز شد. اندک اندک آیه‌های دیگر می‌رسد و درس‌های وسیع‌تر آغاز می‌گردد: کسی بر دیگری برتری ندارد، برده و ارباب در پیشگاه حق تعالی برابرند و... این سخنان مکیان را خوش نیامد و موج آزارها و سخنان ناروا را در حق پیامبر واپسین (ص) باعث شد.

او در این میان به دو یار وفادار دلگرم بود: ابوطالب و خدیجه، ولی قضای الهی چنان بود که این دو را نیز با فاصله اندکی از دست بدهد. فاطمه (س) چنانکه از قرآن درس گرفته است باید این آزمایش را هم ببیند.

مرگ خویشان برای او آزمایش دیگری است. علاوه بر تحمل فراق مادر باید سنگ صبور پدر باشد. اکنون فاطمه فقط دختر خانواده نیست. او جانشین عبدالله، آمنه، ابوطالب و خدیجه (س) است. او #171؛ ام ابیها» است، آری او مادر پدر است.

ازدواج و فرزندان

چنانکه کتاب‌های محدثان و مورخان طبقه اول و سندهای اصلی شیعه و سنی به صراحت تمام نوشته‌اند و آنچنانکه قرینه‌های دیگر نوشته این مورخان را تأیید می‌کند، دختر پیغمبر خواستگاران سرشناسی داشت، لیکن پدرش از میان همه، پسرعموی خود علی بن ابی‌طالب (ع) را برای شوهری او برگزید.

مهریه دختر پیغمبر چهارصد درهم بود همین و همین، و بدین سادگی نیز پیوند برقرار گردید. پیوندی مقدس است که باید دو تن شریک غم و شادی زندگانی یکدیگر باشند. فهرستی که شیخ طوسی برای جهاز نوشته چنین است: پیراهنی به بهای هفت درهم، چارقندی به بهای چهار درهم، قطیفه مشکی بافت خبیر، تخت‌خوابی بافته از برگ خرما، دو گستردنی (تشک) که روی‌های آن کتان ستر بود یکی را از لیف خرما و دیگری را از پشم گوسفند پر کرده بودند، چهار بالش از چرم طائف، پرده‌ای از پشم، یک تخته بورپای بافت هجر، آسیای دستی، لگنی از مس، مشکی از چرم، قدحی چوبین، کاسه‌ای گود برای دوشیدن شیر در آن، مشکی برای آب، مظهرهای اندوده به زفت، سبویی سبز و چند کوزه گلی.

فاطمه (س) علاوه بر این که دختر نبی خدا بود و همسر ولی‌اش، مادر ائمه معصومین (ع) هم بودند. رمضان سال سوم هجرت که می‌رسد، ولادت فرزندش حسن (ع) خاطره شیرین پیروزی‌های جنگ بدر را که در رمضان سال پیش رخ داد شیرین‌تر می‌سازد و در شعبان سال چهارم، ولادت حسین (ع) گرمی تازه‌ای به خانه علی (ع) می‌دهد و پس از این دو فرزند زینب، ام کلثوم و محسن.

فاطمه (س) پس از پیامبر (ص)

با وفات پیامبر اکرم (ص)، فاطمه (س) غرق در سوگ و ماتم شد. هنوز چیزی از وفات رسول خدا (ص) نگذشته بود که سفارش رسول خدا (ص) و ابلاغ فرمان الهی توسط ایشان در روز غدیر، مبنی بر نصب امام علی (ع) به عنوان حاکم و ولی مسلمین، پس توسط عده‌ای نادیده گرفته شد و آنان در محلی به نام سقیفه جمع گشتند و از میان خود فردی را به عنوان حاکم برگزیدند.

عده‌ای از مسلمانان به نشانه اعتراض به غصب حکومت و نادیده گرفتن فرمان الهی در نصب امام علی (ع) به عنوان ولی و حاکم اسلامی پس از پیامبر (ص) در خانه فاطمه (س) جمع شدند. هنگامی که ابوبکر منتخب سقیفه که توسط حاضرین در سقیفه انتخاب شده بود، از اجتماع آنان و عدم بیعت با وی مطلع شد؛ عمر را روانه خانه فاطمه (س) کرد تا امام علی (ع) و سایرین را به زور برای بیعت در مسجد حاضر نماید.

در این حین حضرت فاطمه (س) مانع بیعت گرفتن از علی (ع) شد و بسیار صدمه دید و لطمات فراوانی را تحمل نمود، اما باز از پا ننشست و بنابر احساس وظیفه و تکلیف الهی خویش در دفاع از ولی زمان و امام خود به مسجد آمد.

عمر و ابوبکر و همراهان آنان را در مسجد رسول خدا(ص) مورد خطاب قرار داد و آنان را از غضب الهی و نزول عذاب بر حذر داشت. این صدمات در نهایت منجر به شهادت ایشان شد.

سالروز شهادت

درباره سالروز رحلت جانگداز فاطمه(س) اگر چه در بین مورخین اختلاف نظر هست به گونه‌ای که برخی اقوال را به هجده نظر رسانده‌اند. قول اول هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر(ص) در نظر گرفته شده و برگرفته از روایتی است که به نظر علامه مجلسی صحیح است از امام محمد باقر(ع) نقل شده ؛

فرمود: وی هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر بزرگوار (ص) از دنیا رفته است. شیخ قول دوم نود و پنج روز است، چنانچه مرحوم اربلی از امام محمد باقر(ع) همین قول را نقل کرده و ابو الفرج اصفهانی نیز از امام محمد باقر(ع) گذشت سه ماه را از رحلت پیامبر(ص) روایت کرده است.

شیخ مفید در تایید نظر دوم می فرماید روز سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجرت سال روز رحلت حضرت فاطمه زهرا(س) است و این همان روزی است که در همه سال غم و اندوه مؤمنین تجدید می‌شود.

همشهری جمعه - مهدی محمدی